

مبانی درام

صمد رستمی

مدرس (سینما و تئاتر) دانشگاه رامسر، کتابین

پردیس بین الملل خوشه

سرشناسه : رستمی، صمد، ۱۳۴۴ -
 عنوان و نام پدیدآور : میانی درام/صمد رستمی.
 مشخصات نشر : چاپکسر: نوین پویا ، ۱۳۹۴.
 مشخصات ظاهری : ۲۲۸ص.
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۷۷۴۳-۳۰-۰
 وضعیت فهرست: فیبا
 نویسی
 موضوع : نمایشنامه
 رده بندی کد گره : ۱۶۳۳PN / ۵۵۵ن ۱۳۹۴
 رده بندی دیوید : ۰۱۴/۷۹۲
 شماره : ۴۱۰۸۳۰
 کتابشناسی ملی

انتشارات نوین پویا
 اسم کتاب: میانی درام
 نویسنده: صمد رستمی

سال چاپ: اول، ۱۳۹۵

چاپخانه: آدینه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۷۴۳-۳۰-۰

قیمت: ۱۲۰۰۰۰ ریال

مرکز پخش: تهران انتشارات نوین پویا ۱۳۱۸-۰۹۱۲۳۸۰-۰۵۳۵-۰۶۰۱۶

تهران: انتشارات آستان قدس رضوی

تنگابن: زبانسرای پویا (انتشارات نوین پویا) ۱۱۵۴۲۳۶۵۱۱-۰۱۱۵۴۲۳۶۵۱۱-۰۴۲۲۱۲۳۱

همراه ۱۳۱۸-۰۹۳۷۳۰۰

فروش اینترنتی www.ketab.ir/novinpouya

۹	مقدمه:
۱۵	پیشگفتار:
۱۹	فصل اول:
۲۱	آئین:
۲۵	اسطوره:
۳۷	حماسه:
۴۱	درام:
۴۶	انواع درام:
۴۷	فصل دوم:
۹	تراژدی:
۸۳	کمدی:
۱۰۰	ساتیر:
۱۰۶	تراژدی - کمدی:
۱۱۰	ملودرام:
۱۱۹	میم:
۱۲۳	پانتومیم:
۱۲۹	فصل سوم:
۱۳۱	ساختار:

۱۵۷	طرح :
۱۶۶	کاراکتر:
۱۷۹	دیالوگ :
۱۸۹	فصل : ارم :
۱۹۱	درماندازی :
۱۹۶	کنش :
۱۹۹	هامارتیا :
۲۰۴	ایده :
۲۱۰	کارگردان :
۲۱۱	اقتباس :
۲۲۷	نتیجه :
۲۲۹	فهرست منابع :

3-08-1612-44:46 E

برای خلق تراژدی نو باید ارزش‌های نو آفرید.

«آلبر کامو»

درام چیست؟ این پرسشی است اساسی که جهان هر بار به آن می‌رسد همچنان در حیرت فرو می‌رود، چرا که نیک می‌داند هر پاسخی به آن تشنگی تازه‌ایی است برای طرح پرسش دگر باری آن. جهان دریا نه است، درام آن هنگام درام می‌ماند که شورشی باشد علیه هر پاسخی برای به‌شنگری به این پرسش! اگر طغیان علیه هر شکلی از محدودیت و تعویض جوهری بنیادین درام باشد، پس درام جستجوی بی‌پایان ایده‌های ژرف‌نگر، گریز پا و رازآمیز ماست که برای نگاه داشت آن در تخت بند پاسخ نباید نشست باید برای هر رودررویی، ایده‌ایی داشته باشیم پس مقدس و پس ژرف. «ارسطو» درام را نظم می‌داندست در دل آشوب هست برای و این نظم، و این قدرت آفرینشگری هنر است که می‌توانست ژرفای خوفناکی هستی را در طرحی نیرومند بدل به آگاهی و وحدتی سازمان یافته کند. تلاشی که به زعم «ریس» هیجانی اندوه‌بار در خود دارد. هیجانی که تجلی یک راز است که در توأمان در وحشت و ترحم فرو می‌برد. فرو پاشیده شده و در عین حال پر شده از شعفی بی‌مثال! اما برای «هگل» ایده‌ی ژرف درام در نفی جدایی میان عین و ذهن تجلی داشت و این عصیانی بود علیه آگاهی و تقابل نگری ماهره آن. دیالکتیکی ظریف که تنهایی و پرت افتادگی را تا حد یگانگی فرا می‌برد و در عین حال با ظرافت نطفه‌ی جدایی تازه‌ایی را در خود حفظ می‌کرد تا آگاهی ما از مفهوم درام همچنان به صورت چالشی تازه باقی بماند. «نیچه» کنش اصلی درام را هماهنگی میان شورش شورمندی

دیونیزوسی و عقلانیت تعادل بخش آپولونی می‌دید. جایی که هراس انسان از تماشای ورطه‌ی هولناک سرنوشت بشری با انکار ضروری برای حفظ بقا در هم می‌آمیخت و انسان یونانی را یاری می‌رساند تا ضرورت زندگی در میان مصائب را تاب آورد. «برشت» درام را ژرف‌ترین جایگاه آگاهی انسان از تاریخ می‌داندست. درام می‌باید انسان را یاری کند تا استثنا را در پس توده ببیند، یعنی حقیقت را در ورای دروغ. درام باید به کشف انسان از حقیقت اری رساند. برای «هیوم» درام یک راست لذتی بود که می‌توانست از مدال رنج حاصل شود. درام - بطور خاص در تراژدی - این قدرت را داشت که از رنج و رنجش درون رویدادها با بیانی فصیح لذتی عمیق بیافریند و ما را در تجربه‌ای بی‌گانه شریک کند. تجربه‌ی قرن بیستم عمیق‌تر نشان داد که به واسطه‌ی این بازگشت تناقض‌ها می‌توان نزدیک شد و تقابل‌هایی که می‌کوشیم آن را در درام یکانه کنیم، به شکلی رنج‌آور همچنان بی‌امکان هیچ وحدتی رها نماند. اقی خواهند ماند. برای «بکت» درام نمی‌توانست جز عصیان پی در پی باشد، چرا که جهانی که بکت آن را در میان نبردهای هولناک و قتل عام به دست می‌آورد، انسان آنهم در اوج فرهنگ و تمدن بشری تجربه می‌کند چیزی جز عصیان مداوم نیست که تنها می‌شود پاره‌های آن را در شورش بی‌ترحم و عصیان بی‌وقفه به چنگ آورد. جهانی که نظم آن گواه تلاشی و هرج و مرج بی‌پایان آن است. چیزی در میان روشنایی آغازین و تاریکی واپسین که بکت سعی دارد تجربه‌ی دشوار و رازآمیز آن را با ما بازگوید. درام بکت از سکوتی می‌گوید که سکوت نیست فقدان عملی که فقدان عمل نیست، پایانی که پایان نیست، آغازی که آغاز نیست تاریکی که روشنایی است و آشوبی که نظم است و نظمی که دیگر نظم نیست! چیزی یک راست از جنس زندگی.

مفهومی ژرف که درست وقتی می‌دانیم چیست به آرامی از سطح صیقلی آگاهی ما می‌لغزد و می‌گریزد. درام چیزی است از جنس پیچیدگی و تناقض‌های زندگی. هر پاسخی به آن ژرفانگری تازه‌ای را می‌طلبد و توامان این آگاهی، که برای درام امکان طغیان بزرگتری را فراهم می‌کنیم تا نیرومندتر از پیش ما را به چالش بخواند. اما این جهان رازواره و تودرتو - درام - نخست در کجا شکوفا شد؟ در یونان باستان. و چگونه؟ در حیطه‌ی باستانی یونان جهان برای درک حقیقت پیش از آنکه رودرروی درام قرار گیرد نخست حقیقت را در ساحت اسطوره و آئین آزمود. در ساحت یونان معادس بی‌بدیل آفرینشگر که جهان را از راز نبردها و زایش‌های پیچیده خود بر داشته بودند. آنجا که جهان از «کائوس» پر آشوب به کرانه‌های آرام «کائوس» رسید. جهان آنگاه در ساحت اندیشه‌ی فلسفی، لوگوس - کلام و نبرد - بشری را برای روشنایی بخشیدن به حقیقت تجربه کرده و انسان را طاق فلسفی به چالش بزرگ با هستی برخاست تا این بار ادراک حقیقت، از سطح روشن شود و از بلندی زمین بیابد. سپس حقیقت را در سویی‌ی پنهان ادبیات در قالب حماسه و شعر تغزلی ادراک کرد تا چشم‌انداز زیبایی و حقیقت با بهایی ژرف‌تری از عمل و تخیل بشری سیراب شود. در قالب حماسی ایزدان اسطوره را در هیئتی ابر انسانی در زمین به جنبش و تکاپو واداشت و در شعر تغزلی درون بی‌تاب انسانی را تا حد ادراکی اسطوره‌ای فراز برد. همان اینجا و در ساحت انسان نویسنده - ادبیات - دریافت که وظیفه‌اش تنها تبیین جهان نیست بلکه بیشتر و عمیق‌تر چیزی است تماماً در حد پاسداشت تمدن انسانی. اینکه باید نگاهبان انسان و انسانی‌ترین حالات انسان باشد. جهان تکه تکه شده‌ی «میتوس» بدست «لوگوس» این بار در ادبیات

وحدت دوباره یافت تا بار دیگر با بیانی شورمندانه هستی یابد و در این تلاش برای حفظ هستی انسان در جهان، درام بصورت متعالی‌ترین و چالش برانگیزترین و کم و بیش واپسین امکان نبرد انسان برای انسان تجلی یافت. چالشی برای نگاه داشت توأمان معنویت، تقدس و عصیان بویافته، انسان! درام واپسین تلاش انسان آفرینشگر یونانی بود برای معنا بخشی به جهان در حال فروپاشی یک عصر طلایی و بی‌تکرار. عصیانی که می‌خواست جهان، جهان بماند. بعد از یونان جهان شاهد تجلی ایده‌ی درام در دوره‌های تاریخی دیگری بود. درام «رومی»، درام «قرون وسطی»، درام باشکوه «الیزابتی»، درام «اسپانیایی»، درام «نئوکلاسیک فرانسوی»، درام «آلمانی» و سرانجام درام «مدرن» و آنگاه «آپوستری» در همه‌ی این دوره‌های تاریخی انسان برای ابراز انسان و جهان، در بازی ظریف کشف حقیقت با درام بر صحنه، پرشکوه گام برداشت. در درام «اشیل» گاه جهان این‌سان و انسان را یگانه کرد و پیروزی‌های آن را ستود در درام «سوفکل» هراس تردید و شکست‌های باشکوه‌اش را نشان داد. در «اورپید» از رها شدن انسان تنها مانده، رنج کشیده، شکست خورده و تحقیر شده سخن گفت. ب «سنانا» ارواح خون آلود هراسیده را بر صحنه جان بخشید. با «راسین»، «کرنی»، «کالدرون» و «لوپه دوگا» زخم‌ها، شورمندی، اراده و اندوه سرنوشت بشری را با ما باز نمود. در «شکسپیر» بی‌بدیل و «گوته»‌ی شکوهمند مرزهای شناخت انسان از خود و ادراکش از حقیقت را به دورترین کرانه‌های معرفت والای انسانی رساند. و در «ایبسن»، «چخوف»، «میلر»، «سارتر»، «کامو»، «یونسکو»، «بکت» و «پینتر» روح پر تشویش، ضربه خورده، درمانده، مهبای جنون، خود ویرانگری و اراده‌ی

آزاده زخم خورده و ناتوان انسان مدرن را در جهان رانده شده از ایزدان به تصویر کشید . درام در ژرف نگری خود همواره بازخوانی قلمرو حقیقت است .

آنجا که رنج بی معنایی و دروغ چهره ی پر شکوه زندگی را می آلاید ، باید که درام و باز خوانی دگر باره ی آن شورشی باشد در جستجوی خوشبختی آدمی در عصری بی فترت ، پرفریب و پریشان . اما درام در عین حال نمایی نیز دارد . گاه سویی تراژدی است و گاه کمدی . وقتی رو به سوی تباردی دارد تماماً باز نمود یک عصیان است تا جهان را از دل تیرگی و روشنایی به یکنواختی معنا کند ، رنج انسان در تنگنا را تقدس بخشد و بر عظمت و شرف در عین نابودی شهادت دهد . و آن هنگام که در ساحت کمدی قرار می گیرد باز طعنی می شود سخت تلخ تر تا از زیر نقاب قطعیت معقول و درست و کارانه ی امور، جنون ، امر نامعقول و

سترون مابین حرمت انسانی و دروغ را به ما نشان دهد . وقتی « کوکتر » درام را میسازد و می دهد ، این نیست به وضع بشری ، مگر این است که این است که در هر بار بازگشت به ساحت درام برای پاسخ به پرسش هایمان چاره ای نداریم جز آنکه ژرف تر سیه ی عصیان ورز و آگاهی بخش درام را بکاوییم . سرانجام درام را باید در بازی ظریف آگاهی ما جست . اینکه با زیرکی می دانیم چگونه هر بار با فرو رفتن در قلمرو تاریک و هیولوار داستان از ایده سرشار شویم و به آن در قالب بشری ، روشنی بخشیم و آنگاه اجازه دهیم بار دیگر همه چیز در سرزمین تاریک و ناشناخته فرو رود . هر رویکردی به درام و سنجش دوباره ی آن از این بازی ظریف و شورمندانه ملهم است . هر تالیفی در این راستا بی شک تلاشی است برای روشنائی بخشیدن به وجهی از این سیر دیالکتیکی ، تا بتوانیم با ژرفا رفتن

، درام را به سطح معنا بالا بکشیم و آن را در یکی از تغییر چهره‌هایش - چون ایزدی اسطوره‌ایی - به چنگ آوریم و به فراخور زمان خود بار دیگر معنا و ترجمه کنیم . در همین راستاست که مؤلف محترم دست به خوانشی دگرباره از درام زده‌اند . ایشان این دشواری را بر خود پذیرفته‌اند تا به پرسش کن درام چیست ؟ پاسخی نو ، درخور و در ساحت زمان بدهند . سعی مؤلف گامی در این بوده تا درام را از ژرفای تیره‌ی خود به ساحت روشنایی درآورند ، آن را در برابر ما قرار دهند و ضمن بررسی دوباره‌ی آن بار دیگر بر حقیقت صانع و رزقش گواه باشند .

تألیف ایشان ، چنین معرف این آگاهی عمیق تواند بود که می‌توان مفهوم درام را از زوایای گوناگون چون اسطوره ، آئین ، دراماتورژی و حتی کارگردانی بسجده و مورد بررسی قرار داد . مؤلف محترم برای گذر از این اثر تلاش وافر نموده‌اند و بی‌شک آن آغاز چالش عمیق‌تری خواهد بود با درام برای ایشان . از این رو نبردشان با این کتابخشی به درام در حوزه ادبیات نمایشی را نبردی می‌بینم معنوی ، مسوره و پیگیر و امیدوارم برای خانواده‌ی بزرگ تئاتر راهگشای تلاش‌های دیگران و تازه‌ای باشد تا با ما همچنان از سنجش‌های عمیق درام سخن بگویند .

بی‌سفا خجرائی

(زمرستان نود و چهار)

پیشگفتار :

درام ، تاریخی زرین ؛ به قدمت عمر آدمی دارد . جنین آن در آئین‌ها شکل گرفت و با اسطوره‌ها زاده شد و با حماسه‌ها همبازی و در نهایت با تراژدی به پرواز درآمد . با ماهیتی ساده ، طبیعی ، زیبا و برخاسته از مراسمات بدوی با فضایی شیرین و حامل درک رازهای جهان . چرا که در گذر زمان و در دوره‌ها و اعصار متفاوت ، هستی خود را قوام بخشیده و همراه با اندیشه‌های والای متفکران هر قوم و ملیتی و از هر اقلیمی ؛ زدوده شده و همراه با زندگی آدمی عجین گشته و متعالی شده است . و اینک همچو ، مرواریدی تابان بر قله‌ی رفیع انسانیت می‌درخشد و به عنوان ژانر ادبی و هنری عاشقانه می‌تازد .

در این دوره‌های تنوع ، آثار هنری در سطحی عالی خلق شده و با تجزیه و تحلیل جدی می‌توان عناصر مشترکی را در همه آنها یافت که همین کمالات درخش هنری آنهاست . عناصر مشترکی همچون عشق ، امید ، تنهایی ، مرگ ، عدالت و ... هر چه که باشد ، آثاری که جاودانه‌اند در این عناصر شریک‌اند .

از این رو ، دنیای درام ؛ دنیایی است رنگارنگ ، دلنشین ، جذاب ، مؤثر ، مخوف ، با احساس و همراه با شور و غنای هیجان و شاید سرگرمی . چرا که مرز میان سرگرمی و هنر چندان مشخص نیست . درام نیز مانند تمامی هنرها هرچه که باشد ، هنری است که ساز ناشی از «غریزه» در نظر «شیلر» (Schiller) باشد . و یا شاید ناشی از «جلب توجه» در نظر «مارشال» (Marshall) باشد . و یا شاید ناشی از «شور و خود نمایی» در نظر «بالدوین» (Baldwin) باشد . و یا شاید ناشی از «تلفیق شور و بازی و شور و خود نمایی» در نظر «لانگ

فلد» (Langfeld) باشد . و یا شاید ناشی از «معلول تلطیف غریزه حیوانی سازندگی» در نظر «الکساندر» (Alexander) باشد . و شاید ناشی از «عقده‌های جنسی» در نظر «فروید» (Freud) باشد . و شاید ناشی از «تلایف محرکات فطری مختلف» در نظر «مک دوگال» (Mc Dougall) باشد . و یا شاید ناشی از «رفع نیازهای زندگی عملی» در نظر «هیرن» (Hirn) باشد . و یا شاید نظریه‌های بی‌شماری که در رابطه با منشاء هنر در طی تاریخ هنر ثبت شده است .

اما شایان ذکر است، که هیچ پدیده قطعی وجود ندارد . مهم این است که درام در جهان انسان‌های متفاوت و متوالی و با اندیشه‌های متضاد ؛ مدام تاخته است و بیشگام تمام حیوانات ادسی ، اجتماعی ، فرهنگی ، سیاسی و ... بوده است . و نسبت آرا به ازان بوده ، بیکران و بی حد و مرز و جهان شمول . مانند و همپای آدمی ، پیچیده و هزار تو که هم ریشه در امر فیزیکی و حسی دارد و هم ریشه در امر کلامی و مفهومی و حاصل شناخت آدمی . و هر شناختی برای آدمی به در سائل آشکار شده است : شناخت علمی (دانشمندان) و شناخت هنری (هنرمندان) .

شناخت علمی مبتنی بر تجربه‌ی دقیق است . چرا که تعریف علم ، شناخت واقعیت است از طریق تجربه به اتکای یک فلسفه با تاکید بر کمیت .

و در تعریف هنر آمده است ، شناخت واقعیت است از طریق تجربه به اتکای یک فلسفه با تاکید بر کیفیت .

و هنرمندان و دانشمندان نسبت به شرایط اجتماعی در هر دوره‌ای از زندگی به شناختی جدید رسیده و متحول شده و روند زندگی را تغییر داده اند . در واقع دانشمندان در پرتو واقعیت درونی ، واقعیت بیرونی را

کشف و هنرمندان در پرتو واقعیت بیرونی؛ واقعیت درونی را کشف کرده‌اند و از این رو کاشفان حقیقتند. یکی در پی حقیقت علمی و دیگری در پی زیبایی.

مسلم است که آگاهی و شناخت اصولی از مبانی درام و ویژگی‌های آن نیز، لذت عاشقان و علاقه‌مندان این حوزه را صد چندان خواهد کرد.

برای شناخت درام منابع بی شماری سرشار از اندیشه‌هایی لطیف و ظریف نظریاتی درخشان و یافته‌هایی روشنگرانه موجود و به سهولت قابل دسترسی است. هر کدام از این منابع، اعتبار و شهرتی ویژه در میان دوستداران ادب و هنر یافته و هر یک به تناسب ضرورت‌های موضوع از الگوهای متفاوتی برخوردارند. و همه و همه در پی پاسخ به سئوالاتی بوده‌اند که همیشه در حوزه درام مطرح بوده است. سئوالاتی از قبیل اینک:

درام چیست؟ خاستگاهش کدام است؟ ساختار و ساختمان آن به چه شکلی است؟ چه اجزائی دارد؟ چه اصولی دارد؟ چه ویژگی‌هایی دارد؟ و طبیعتاً رسالت آن چیست؟ چه ارتباطی با مخاطب دارد؟ و...؟؟؟

هدف از این تلاش، ارائه‌ی پژوهشی به‌ورانه با شیوه و سبکی دیگرگونه در راستای بسط و پرورش منسجم‌ترین؛ نظام‌مندترین و حتی کارآمدترین تحلیل و توصیف از مبانی درام بوده است. تا در نهایت با فاش ساختن کارکرد و ماهیت درام به شناخت مبانی آن عمل می‌نماید. چرا که شناخت این اصول و مبانی، گامی است اساسی برای آموختن و درک درام. اگر هم موفق نبوده باشد، حداقل انگیزه‌ای برای بحث و تفکر باشد و یا به قول «آنتونین آرتو» (Antonin Artaud) (۱۹۴۸-۱۹۹۶) که می‌گوید: «میل ندارم حدود افکار را تعیین کنم، بلکه می‌خواهم مقدمات

تفکر را فراهم آورم». به هر حال چالشی است با جنبه‌ای مقدماتی و به شیوه‌ای متفاوت، اما کارآمد.

و تأملی است در باب عناصر تشکیل دهنده‌ی متون دراماتیک در حوزه‌ی تئاتر، حول محور اصول و مبانی و فراتر اینکه می‌تواند ناظر بر متون نمایشی در رسانه‌ها اعم از سینما، تلویزیون و رادیو نیز باشد. و سعی بر این بوده تا در هر بخشی، توضیح کافی درباره‌ی ریشه‌یابی، تاریخچه مبانی نظری، تعریف و معنا، ویژگی‌ها، مؤلفین و نظریه پردازان برجسته ارائه می‌گردد.

درک، رعایت و کاربرد این اصول و مبانی برای آنانی که اهل این قبیله‌اند؛ از نظر تکنیکی جای اهمیت بوده چرا که متون دراماتیک متکی بر تکنیک و معناست و در ادبیات، درام این مبانی نظری-پژوهشی قابل تأملی از فلسفه، جامعه‌شناسی، روانشناسی، زیبایی‌شناسی و غیره خودی نشان می‌دهند. و دقیقاً از این رو، مبانی درام منحصر به قشر خاصی مثل درام نویس، کارگردان، کاراکتر، منتقد و دراماتورژ نیست. بلکه برای همه‌ی اهالی هنر تئاتر، حتی مخاطب است. چرا که هر درامی در نهایت امر باید با تمامی عوامل اجرایی برای مخاطب به اجرا درآمده و کامل شود.